



Structural equation modeling of the relationship of hybrid governance with value creation mechanisms in Azadegan plain education

Reza Najjari 

Department of Management, Payam Noor
University, Tehran, Iran.
E-mail: najjari1344@pnu.ac.ir

Maryam Saidipour* 

PhD student, Payam Noor University, Tehran,
Iran.
E-mail: maryam.s201120@yahoo.com

Abstract

The main goal of this research is to model the structural equations of the relationship of hybrid governance with value creation mechanisms in Azadegan Plain education. In this research, the research method is applied and in terms of implementation time and implementation logic, cross-sectional and inductive respectively. And in terms of nature, it is descriptive-correlative. In the current research, the statistical population includes all the employees working in the education department of Azadegan Plain, which is equal to 10,000 people. By simple random method, 373 people were selected using Morgan's table as a statistical sample, and for data collection, a researcher-made hybrid governance questionnaire with a reliability of 0.87 and a researcher-made questionnaire for value creation with a reliability of 0.79 were used. In order to measure the reliability of the reflective measurement model, Cronbach's alpha and composite reliability tests were used, and to measure the validity of the model, convergent validity using average variance extracted (AVE) and divergent validity using Fornell and Larcker tests were used. Data analysis was done using spss26 and smart pls software. The results of the research show that there is a positive and significant relationship between mixed governance and compromise in values, there is a positive and significant relationship between mixed governance and mixing values, and there is a positive and significant relationship between mixed governance and legitimizing values

Keywords: Hybrid governance, Compromise in values, Mixing values, Legitimizing value, Azadegan plain.

* Corresponding Author: Maryam Saidipour. E-mail: maryam.s201120@yahoo.com

How to Cite: Najjari, R., Saidipour, M. (2023). Structural equation modeling of the relationship of hybrid governance with value creation mechanisms in Azadegan plain education. *Journal of Studies in Management*, 3(1), 16-32.

Original research

Accepted: 06/09/2023

Review: 22/08/2023

Received: 30/07/2023



موسسه آموزش عالی کویان

-- جستارهایی در مدیریت --

دوره ۳، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۲، ۱۶-۳۲


jsm.kavian.ac.ir

DOI: 10.22034/jsm.2023.414131.1019

مدل سازی معادلات ساختاری رابطه حکمرانی ترکیبی با مکانیسم های خلق ارزش در آموزش و پرورش دشت آزادگان


گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

E-mail: najjari1344@pnu.ac.ir

رضا نجاری 

دانشجوی دکترا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

E-mail: maryam.s201120@yahoo.com

مریم سعیدی پور* 

چکیده

هدف اصلی این پژوهش مدل سازی معادلات ساختاری رابطه حکمرانی ترکیبی با مکانیسم های خلق ارزش در آموزش و پرورش دشت آزادگان می باشد. در این پژوهش روش تحقیق از نوع کاربردی و به لحاظ زمان اجرا و منطق اجرا به ترتیب مقطعی و استقرایی است. و از لحاظ ماهیت، توصیفی - همبستگی است. در تحقیق حاضر جامعه آماری شامل کلیه کارمندان شاغل در اداره آموزش و پرورش دشت آزادگان می باشد که برابر با ۱۰۰۰۰ نفر بوده است. به روش تصادفی ساده تعداد ۳۷۳ نفر با استفاده از جدول مورگان به عنوان نمونه آماری انتخاب و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته حکمرانی ترکیبی با پایایی ۰/۸۷ و پرسشنامه محقق ساخته خلق ارزش با پایایی ۰/۷۹ استفاده شده است. به منظور سنجش پایایی مدل اندازه گیری انعکاسی از آزمون های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و برای سنجش روایی مدل از روایی همگرا به کمک میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و روایی واگرا به کمک آزمون فورنل و لارکر استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار های smart pls و spss۲۶ انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد بین حکمرانی ترکیبی با سازش در ارزش ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بین حکمرانی ترکیبی با مخلوط کردن ارزش ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین حکمرانی ترکیبی با مشروعیت بخشیدن به ارزش ها رابطه مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: حکمرانی ترکیبی، سازش در ارزش ها، مخلوط کردن ارزش ها، مشروعیت بخشیدن به ارزش ها، دشت آزادگان.

مدل سازی معادلات ساختاری رابطه حکمرانی ترکیبی با مکانیسم های خلق ارزش در آموزش و پرورش دشت آزادگان

رضا نجاری^۱، مریم سعیدی پور^{۲*}

چکیده

هدف اصلی این پژوهش مدل سازی معادلات ساختاری رابطه حکمرانی ترکیبی با مکانیسم های خلق ارزش در آموزش و پرورش دشت آزادگان می باشد. در این پژوهش روش تحقیق از نوع کاربردی و به لحاظ زمان اجرا و منطق اجرا به ترتیب مقطعی و استقرایی است. و از لحاظ ماهیت، توصیفی - همبستگی است. در تحقیق حاضر جامعه آماری شامل کلیه کارمندان شاغل در اداره آموزش و پرورش دشت آزادگان می باشد که برابر با ۱۰۰۰۰ نفر بوده است. به روش تصادفی ساده تعداد ۳۷۳ نفر با استفاده از جدول مورگان به عنوان نمونه آماری انتخاب و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته حکمرانی ترکیبی با پایایی ۰/۸۷ و پرسشنامه محقق ساخته خلق ارزش با پایایی ۰/۷۹ استفاده شده است. به منظور سنجش پایایی مدل اندازه گیری انعکاسی از آزمون های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و برای سنجش روایی مدل از روایی همگرا به کمک میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و روایی واگرا به کمک آزمون فورنل و لارکر استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار های smart pls و spss۲۶ انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد بین حکمرانی ترکیبی با سازش در ارزش ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بین حکمرانی ترکیبی با مخلوط کردن ارزش ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین حکمرانی ترکیبی با مشروعیت بخشیدن به ارزش ها رابطه مثبت و معناداری دارد.

واژگان کلیدی: حکمرانی ترکیبی، سازش در ارزش ها، مخلوط کردن ارزش ها، مشروعیت بخشیدن به ارزش ها، دشت آزادگان.

۱ گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲ دانشجوی دکترا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

اساساً معمای ارزش آفرینی این است که آنچه برای انسان ها، نهادها و جوامع ارزشمند است، تعریف کنیم. مفهوم سازی ارزش، به لحاظ پیامدهای سیاسی، نهادی و حتی عملی آن، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مانع از «عقلانیت» و «مفید بودن» فعالیت های اجتماعی می شود. نشان دادن چیزی به عنوان «ارزشمند» آن را به گزینه های جایگزین تخصیص منابع، هدایت توجه و کنش سیاسی ترجیح می دهد. ارزش ممکن است یک چیز واحد، خدمات یا خوب نباشد، به همین دلیل است که ما اغلب تمایل داریم که ارزش را به صورت مفرد و جمع مطرح کنیم (یورگنسن و بوزما،^۱ ۲۰۰۷). هنگامی که در مورد یک ارزش واحد صحبت می کنیم، اغلب در مورد اینکه آیا هر چیزی را می توان به ارزش پولی یا ثروت تبدیل کرد یا اینکه باید بر مفهوم سازی دقیق تر و ظریف تر از ارزش تمرکز کرد (مازوکاتو،^۲ ۲۰۱۸). ارزش ها طبق تعریف، مفاهیم مورد مناقشه هستند (ون در وال و همکاران،^۳ ۲۰۰۶). به همین دلیل است که تعاریف ارزش را نمی توان در انحصار هیچ رشته یا قبیله دانشگاهی قرار داد. در عوض، بحث های ارزشی در چندین سنت انضباطی، در اصل و به ویژه در فلسفه اخلاق و بازتاب های اخلاقی یونانیان، غالب بوده است (مور و گرندی،^۴ ۲۰۱۷). در زندگی اجتماعی، ارزش ها ممکن است به عنوان پیامدهای تعامل و ارتباطات اجتماعی در نظر گرفته شوند، جایی که چیزی با توجه به زمینه تعامل ارزشمند است. به گفته استارک (۲۰۱۱)، آن زمینه های تعامل ممکن است با مبادلات اقتصادی و ارزش گذاری های پولی مرتبط باشند، اما نه لزوماً. آنها همچنین ممکن است مربوط به سفارشات غیر بازاری با ارزشی باشند که مردم آن را عزیز می دانند و آنها را در زندگی خود ارزشمند می دانند (استارک،^۵ ۲۰۱۱). علاوه بر این، «جهان های» صور فلکی ارزشی ممکن است شامل انواع مختلفی از سلسله مراتب ارزشی باشد که در آن برخی چیزها دارای ارزش ذاتی هستند، زیرا آنها به عنوان اهداف یا اهدافی در نظر گرفته می شوند که باید به آن دست یابند، و برخی دیگر دارای ارزش بیرونی هستند - یعنی به عنوان وسیله ای برای اهداف بالاتر عمل می کنند (گال،^۶ ۲۰۱۹). در اندیشه اقتصادی و مدیریتی، مفهوم سازی ارزش از طریق مبادله و استفاده رایج شده است. لپاک و همکاران (۲۰۰۷) ارزش استفاده را به عنوان اشاره به ویژگی های خاص یک کار یا خدمات جدید توصیف کرد که ارزش آن توسط کاربران با توجه به انتظارات آنها تعیین می شود. ارزش در مکانیسم های استفاده از یک کالا یا وظیفه معین تحقق پیدا می کند. ارزش مبادله ذاتاً در سیستم های مبتنی بر بازار و مبادلات جوامع تعبیه شده است. در اینجا، ایده مبادله به شکل پولی ارزشی اشاره دارد که خود را در فرآیند مبادله نشان می دهد. این را می توان از طرف «فروشنده» - دریافت کننده ارزش پولی - یا از طرف «خریدار» - سرمایه گذار، در فرآیند معامله مشاهده کرد. این تفکر تفسیرهای متعددی را به همراه دارد (مازوکاتو،^۷ ۲۰۱۸). ادبیات مدیریت دولتی این ایده را مطرح می کند که باید در مورد ارزش عمومی به عنوان چیزی صحبت کرد که زندگی خاص خود را دارد. هارتلی و همکاران (۲۰۱۷) مفهوم ارزش عمومی را به روش های زیر مورد بررسی قرار داد: (۱) به عنوان کمک به «حوزه عمومی» (مینهارت،^۸ ۲۰۰۹). (۲) به عنوان ارزش افزوده از طریق ترتیبات سازمانی مختلف و (۳) به عنوان اکتشافی استراتژیک رویکرد مثلی که توسط مور (۱۹۹۵) پیشنهاد شده است. تلاش های نظام مندی برای مفهوم سازی ارزش عمومی به عنوان مرتبط با فعالیت های دولتی، بلکه به انواع و سطوح مختلف مشارکت ها در حوزه عمومی صورت گرفته است (بوزمان،^۹ ۲۰۱۹). مثال جالب دیگری از صور فلکی ارزش، مقایسه ویژگی های بخش عمومی و خصوصی به عنوان «قضاوت در مورد ارزش، اصول یا معیارهایی است که باید در انتخاب عمل اهمیت داشته باشند» (ون در وال و همکاران، ۲۰۰۶). به دنبال این ایده، یک پیوستار ارزشی یا یک پانورامای ارزشی وجود دارد، که در آن برخی از ارزش ها ممکن است در بخش های دولتی و خصوصی متفاوت باشند. به عنوان مثال، بی طرفی و اطاعت ممکن است ذاتاً در بخش عمومی غالب باشد، در حالی که سودآوری و نوآوری ممکن است در بخش تجاری بیشتر مورد تأکید قرار گیرد. از سوی دیگر، ممکن است ارزش های اصلی مشترک، مانند کارایی و شفافیت، وجود داشته باشد که برای هر دو زمینه مرتبط باشد (ون در وال و همکاران، ۲۰۰۸).

1 Jorgensen & Bozema

2 Mazzucato

3 van der Wal & et al.

4 Moore & Grandy

5 Stark

6 Gale

7 Mazzucato

8 Meynhardt

9 Bozeman

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سه مکانیسم ایجاد ارزش مربوط به تنظیمات ترکیبی، سیستم ها و سازمان ها وجود دارد.

(الف) مخلوط کردن، (ب) سازش و (ج) مشروعیت بخشیدن به ارزش در تنظیمات ترکیبی

مخلوط کردن مقوله‌های ارزشی متمایز ممکن است به اشکال مختلفی انجام شود. یکی از ویژگی‌های مشترک این اشکال، ترکیب برخی مقوله‌های ارزشی قبلی یا موجود با هدف کمک به انواع جدید ارزش است. برای مثال، ترکیبی ها ممکن است ارزش را با ادغام ترکیبات جدید ارزش از عناصر ارزش اصلی ترکیب کنند، جایی که عناصر جدید از عناصر قدیمی قابل تشخیص نیستند. علاوه بر این، ممکن است ترکیب‌های ارزشی لایه‌ای وجود داشته باشد که در آن ترکیبی‌ها، ارزش اصلی را به ساختارهای جدیدی تبدیل می‌کنند که در آن لایه‌های ارزش قبلی قابل مشاهده هستند. مخلوط کردن اشکال ارزش را می‌توان از طریق تشابهات فرآیند شیمیایی ترکیب مواد فیزیکی با یکدیگر درک کرد. با استفاده از این قیاس، مخلوط کردن ممکن است یک فرآیند آگاهانه از ترکیب دو ماده در یک موجود واحد باشد، مانند افزودن شیر به فنجان چای. با این حال، ممکن است یک فرآیند تصادفی باشد که نیازی به پردازش اطلاعات انسانی خاصی ندارد، مانند ریختن چای روی سفره. علاوه بر این، مخلوط کردن تجربی ممکن است تلاش های آگاهانه را با عناصر تصادفی ترکیب کند، مانند آزمایش با مواد بدون اطلاع از نتایج واکنشی آنها. به روشی مشابه، مخلوط کردن اشکال ارزش در تنظیمات ترکیبی فعالیت‌های نهادی، ممکن است عمدی یا ناخواسته صورت گیرد. اولی به مخلوط کردن اشکال ارزش «بر اساس طراحی» اشاره دارد، در حالی که دومی به مخلوط کردن اشکال ارزش «به‌طور پیش‌فرض» مربوط می‌شود (جوہانسون و واکوری^۱، ۲۰۱۷). برون سپاری فزاینده فعالیت های دولتی همزمان با افزایش جهانی در تنظیم بازار است. نوع دیگری از توسعه در افزایش شیوه های همکاری بین افراد، جوامع و سازمان ها تجلی می یابد. ظهور شبکه‌های فردی و جمعی بین افراد، تفکیک کنش‌ها و بازیگران عمومی و خصوصی را از یکدیگر دشوار می‌سازد. رقیق شدن تمایز عمومی-خصوصی به شبکه های چند کنشگر، بررسی تجربی رویدادهای عملی تعاملات عمومی-خصوصی را به دنبال دارد. برخی از این شیوه‌ها ممکن است الگوهای تعاملی طراحی شده، مانند مشارکت‌های دولتی و خصوصی را ارائه دهند، در حالی که برخی دیگر ممکن است راه‌حل‌های موقتی را برای مشکلات پیش‌بینی‌نشده اضطراری ارائه دهند. تنظیمات ترکیبی ممکن است از طریق ترکیب مهم و گاهی غیرمنتظره، از اشکال عمومی، خصوصی و سایر اشکال کنش نهادی، ارزش ایجاد کنند این ممکن است به اشکال جدیدی از سرمایه اجتماعی در جامعه، اشکال برداشت مشروعیت بلندمدت موسسات یا مجموعه های مکمل ترکیب منابع بین بخش های دولتی و خصوصی منجر شود (جوہانسون و واکوری، ۲۰۱۸). چیزی که این دگرگونی را جالب می‌کند، روشی است که، منطق‌های خلق ارزش جدید و اشکال جدیدی از ارزش را ایجاد می‌کند که دیگر خصوصی یا عمومی نیستند، بلکه چیزی در این بین هستند - یعنی ترکیبی. آنها تبدیل و ترکیب می‌شوند. اختلاط فرآیندهای مدیریتی و کسب‌وکار با ارائه خدمات بخش عمومی برای دستیابی به ارزش تحول‌آفرین در دولت‌ها، لزوماً بازارهای خالص ایجاد نمی‌کند، بلکه هدف آن حفظ بیشتر اهداف سیاست عمومی در دستگاه سیاست است و در عین حال تلاش برای معرفی پویایی رقابتی و سازوکارهای نوع بازار به بخش دولتی. بنابراین ممکن است برخی از ارزش‌ها ایجاد، تخصیص و تکمیل شوند و برخی از ارزش‌ها به احتمال زیاد حتی از بین خواهند رفت. آنچه مهم است مکانیسمی است که از طریق آن منطق سیاست های عمومی به نتایج اغلب غیرمنتظره و غیرعمدی خلق ارزش تبدیل می‌شود. ترکیبی ها باید با ایجاد سازش بین آنها، منطق‌های مختلف خلق ارزش رقیب را با هم تطبیق دهند. اشکال سازش‌آمیز خلق ارزش در محیط‌های ترکیبی به حل نارضایتی‌های صریح یا ضمنی در میان طرف‌های درگیر مربوط می‌شود. این امر به‌ویژه در تنظیمات ترکیبی به دلیل اهمیت مدیریت منطق‌های ایجاد ارزش متناقض و حتی متضاد مرتبط است. به یک معنا، ما دیگر با حوادث در قیاس های جهان طبیعی سروکار نداریم، بلکه با کنش اجتماعی در میان انسان ها و نهادها سروکار داریم. سازش نه تنها مستلزم تلاش های آگاهانه برای رسیدن به نتایج اجتماعی معنادار است، بلکه عنصری از تعامل متقابل نیز در این فرآیند وجود دارد. سازش دلالت بر این دارد که منافع هر دو (یا بیشتر) طرفین در قطعنامه در نظر گرفته می‌شود و هیچ یک از طرفین نمی‌توانند به تمام منافع آن دست پیدا کنند. بنابراین، در سازمان‌های ترکیبی، سازش ممکن است همیشه منصفانه نباشد، زیرا ممکن است برخی از شرکت‌کنندگان به خاطر سازش، نیاز داشته باشند از علایق و ترجیحات خود چشم‌پوشی کنند. با این حال، سازش برای مقابله با ناسازگاری منطق‌های خلق ارزش رقابتی و متضاد مورد نیاز است. چنین تلاشی ممکن است شامل مقدار زیادی «تعادل»، «اشتراک» یا «آمیختن» باشد. حتی ممکن است شامل مواردی باشد که پاچه و سانتوس^۲ (۲۰۱۳) از آن به عنوان جفت انتخابی یاد می‌کنند. این نشان می‌دهد که هنگام سازش بین منطق‌های رقیب خلق ارزش، سازمان‌های ترکیبی لزوماً یک ساختار کلی از منطق‌ها را برای یک هدف

1 Johanson & Vakkuri

2 Pache and Santos

خاص مناسب نمی‌دانند. در عوض، آنها ممکن است از چندین منطق برای خدمت به اهداف موازی و خواسته‌های خارجی استفاده کنند. آنها ویژگی‌ها و زیرساخت‌های مختلف منطق خلق ارزش را خریداری می‌کنند. به عنوان مثال، سازمان‌های مراقبت‌های بهداشتی ممکن است برخی از ویژگی‌های «منطق رفاه اجتماعی» را برای توجیه استراتژی‌ها و فعالیت‌های خود انتخاب کنند و در عین حال بیشتر تمرکز خود را بر منافع و ارزش‌های تجاری حفظ کنند. تلاش‌های خلق ارزش چگونه مشروعیت می‌یابند؟ برای ترکیبی‌ها، این ممکن است به عنوان نمونه‌ای از ناخالصی سازمانی در نظر گرفته شود، که از تنش بین سیاست توخالی و تجارت بیهوده رنج می‌برد. این یک معمای مهم است. انبوه ارزش‌های تولید شده را چگونه اندازه‌گیری می‌کنند؟ چه کسی باید برای نتایج اقدامات عمومی-خصوصی مقصر شناخته شود؟ اندازه‌گیری فعالیت‌های خصوصی و عمومی آسان نیست و اندازه‌گیری عملکرد پیچیده‌تر می‌شود، زیرا نتایج شامل دسته‌های اندازه‌گیری کیفی متفاوت در تنظیمات ترکیبی است. از نقطه نظر داخلی، ترکیبی‌ها ذاتاً برای پاسخگویی به خواسته‌های مخاطبان متعدد: دولت، شهروندان، مشتریان و همچنین بازارهای رقابتی هماهنگ هستند. این امر به همان اندازه در خلق ارزش منعکس می‌شود. منطق بازار یا صنعت تنها یکی از گزینه‌های ایجاد ارزش ترکیبی است. ترکیبی‌ها می‌توانند ارزش‌های پایدار محیطی و ایمنی سرمایه اجتماعی را در محیط پروژه شبکه‌ای در بر گیرند. ترکیبی‌ها می‌توانند این عناصر را در عملکرد خود ترکیب کنند. انجمن واقعی غالباً در تعریف عملکرد واقعی اقدامات عمومی-خصوصی تفاوت ایجاد می‌کند.

بنابراین، از نظر مشروعیت، تعدد منطق‌های خلق ارزش برای سازمان‌های ترکیبی هم خوب و هم بد است (جوهانسون و واکوری، ۲۰۱۷). ناسازگاری منطق‌ها ممکن است باعث تنش‌ها، درگیری‌ها و مشکلات شود و در نتیجه اشکال مبهم و متناقض ارزش ایجاد شود، اما آنها همچنین برای تصمیم‌گیری در مورد نحوه مشروعیت بخشیدن به ارزش برای مخاطبان مختلف، آزادی عمل می‌دهند. سازمان‌های ترکیبی ممکن است گاهی بخواهند پنهان بمانند فقط به این دلیل که انجام این کار برای آنها منطقی است. ذینفعان و مخاطبان مختلف از ناهماهنگی مکانیسم‌های خلق ارزش و اشکال نشان دادن ارزش آگاه هستند. ترکیبی‌ها ممکن است که، حالت‌های ارزشی را که می‌خواهند نشان دهند انتخاب کنند و آن اشکال ارزشی را که می‌خواهند پنهان کنند فاش نکنند.

بنابراین، کسب تاییدیه برای فعالیت‌ها، پیچیدگی‌های دائمی را برای فرآیند خلق ارزش ایجاد می‌کند. مخاطبانی را در نظر بگیرید که باید از رژیم خلق ارزش موجود متقاعد شوند. مشروعیت بخشیدن به خلق ارزش ممکن است از طریق منطق عملی (کارآمد)، از طریق سنت (مدتی است که وجود داشته است) یا با اعتماد به جامعه (آنها دستاوردهای توانمندی هستند) انجام شود. علاوه بر این، تعدادی از موضوعات تجربی عینی ممکن است توجه ما را به خلق ارزش جلب کند، مانند ارزش‌های محیطی، مدنی یا پروژه، که ممکن است نظام‌های خلق ارزش موجود را تغییر داده و تقویت کند. موفقیت در نظام خلق ارزش را می‌توان در انطباق و مقاومت مخاطبان خارجی شاهد بود. یک دستور العمل شناخته شده برای حل مشکل مشروعیت‌سازی از بحث نهادی اولیه در مورد جداسازی سرچشمه می‌گیرد (بروملی و پاول، ۲۰۱۲). عناصر ناسازگار خلق ارزش به دو دسته تقسیم می‌شوند: عناصر نمادینی که برای انطباق با خواسته‌های مشروعیت خارجی استفاده می‌شوند و عناصر عملیات واقعی که برای انجام فعالیت‌های روزمره سازمان مورد نیاز هستند. برای مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های خود، ترکیبی‌ها انگیزه دارند که یک چیز را بگویند و چیز دیگری را انجام دهند (برونسون، ۱۹۸۹). این راه حل ممکن است منطقی و عملی باشد. در یک مفهوم کلی تر، زمینه‌های ترکیبی در مشروعیت بخشیدن به ارزش در معرض اشکال خاصی از بازی قرار می‌گیرند. با داشتن مخاطبان متعدد، سازمان‌های ترکیبی وسوسه می‌شوند که وعده‌های بی‌اساس بدهند، زیرا بسیار بعید است که سیستم پاسخگویی بتواند تمام وعده‌های شکست خورده را درک کند یا حتی اعتبار یا سرزنش را در ارزیابی اینکه آیا وعده‌های شکست خورده به دلیل موفقیت یا شکست فعالیت‌های ترکیبی است، نسبت دهد.

با توجه به پیگیری اهداف اجتماعی مهم اما بسیار پیچیده، مانند بهبود سطح آموزش، مبارزه با آلودگی محیط زیست و حفظ زیرساخت‌ها، جدا کردن اهداف سازمان‌های دولتی از مشارکت‌های فعالیت‌های مبتنی بر خصوصی یا جامعه مدنی دشوار است. مهم است که فضای بین شکل‌های عمل عمومی و خصوصی، قلمرو سازمان‌های ترکیبی و حکمرانی ترکیبی را کشف کنیم (جوهانسون و واکوری، ۲۰۱۷). ترکیبی، با همه ویژگی‌هایش نه تنها گسترش مهمی را فراهم می‌کند، بلکه معضلات جدیدی را برای تلاش‌های ارزش آفرینی فراهم می‌کند.

ترکیبی، به ترکیب دو یا چند گونه خالص اشاره دارد که گونه‌های اصلی را به شیوه‌ای جدید ادغام می‌کند (اسکلچر و اسمیت، ۲۰۱۵).

1 Bromley & Powell

2 Brunsson

3 Skelcher & Smith

بنابراین، ترکیبی، ممکن است به عنوان نوعی ناخالصی در نظر گرفته شود. در محیط های اجتماعی و نهادی، ترکیبی، ممکن است به چندین جنبه درهم تنیده اشاره داشته باشد، مانند سیاست و اداره (آبراخ و همکاران^۱، ۱۹۸۱)، بازارها و سلسله مراتب (پاول^۲، ۱۹۹۰؛ ویلیامسون^۳، ۱۹۹۹)، یا تخصص های حرفه ای متعدد حکمرانی فعالیت های اجتماعی، ویژگی های مدیریت و اقدام خصوصی و دولتی را با هم ترکیب می کند (نوردگراف^۴، ۲۰۰۷). دشوار است که ترکیبی ها و ترکیبی بودن را صرفاً به عنوان اختراعات عصر مدیریت عمومی جدید (چه رسد به حکمرانی عمومی جدید) در نظر بگیریم. ظاهراً، مدل های پیچیده و چند سطحی حکمرانی وجود داشت که در آن، باج داران، از طریق طرح های قراردادی و گاهی اوقات از طریق شبکه های شرکت ها، مجریان چندین وظیفه عمومی، مانند نگهداری از امکانات محلی و جمع آوری مالیات بودند (پوتراس و ویلبوردس^۵، ۲۰۱۹).

با این حال، ناخالصی درک شده حکمرانی ترکیبی نگرانی هایی را در مورد چگونگی مهار ویژگی های ترکیبی ایجاد کرده است (جووانسون و واکوری، ۲۰۱۸). یکی از استدلال های آشکار توسط جین جاکوبز^۶ (۱۹۹۲) ارائه شد، که پیشنهاد کرد حتی اگر دولت ها و بازارها کمبودهایی دارند، هر دو مورد نیاز جامعه هستند. تهدید واقعی از معرفی ترکیبی های هیولایی ناشی می شود که دولت سلسله مراتبی را با شیوه های تجاری سیال ترکیب می کنند، که باعث فساد در فعالیت های دولت می شود و سودجویی سالم را مخدوش می کند. جوامع و سیستم های تصمیم گیری اجتماعی از وضوح و سازگاری حمایت می کنند و آنها را تشویق می کند تا دسته بندی های واضح، قابل تقسیم و اندازه گیری آسان از فعالیت های سازمانی را اعمال کنند. در چنین زمینه ای، ترکیبی، خود را به عنوان تهدیدی برای وضوح و سازگاری نشان می دهد و اشکال مبهم سازمان دهی را که دائماً به ساده سازی ها نیاز دارند، نشان می دهد.

کمبودهای حاکمیتی و فقدان پاسخگویی منجر به بحث هایی در مورد مدل ها و ابزارهایی شده است که می توانند برای تضمین ارائه کارآمد و پایدار خدمات عمومی استفاده شوند (آزبورن^۷، ۲۰۰۷). طراحی و تأثیرات اصلاحات حاکمیتی و مسائل حاکمیتی از جمله ساختارهای مدیریتی با عملکرد بالا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در مورد بخش سوم - یعنی حوزه غیرانتفاعی و سایر سازمان های داوطلبانه چه می توان گفت؟ ترکیبی، را می توان در نتیجه یک فرآیند لایه بندی یا ته نشینی مکانیسم های هدایت کننده مانند مدیریت عمومی سنتی، مدیریت عمومی جدید و حکمرانی عمومی جدید که به فعالیت های عمومی، خصوصی و بخش سوم ملحق می شوند، مشاهده کرد. علاوه بر این، ترکیبی در هویت ها، اعمال و عملکردهایی که در آن عوامل، افراد واقعی هستند که وظایف خود را انجام می دهند نیز وجود دارد (نوردگراف، ۲۰۰۷). سیاستمداران، مدیران دولتی و تجاری، کارگران و متخصصان با هم در محیط های ترکیبی کار می کنند. کشف پیوندهای بین ساختارهای نهادی، منطق و مردم در محیط های مختلف ترکیبی بسیار مهم است.

هدف ما بهبود درک انبوهی از مفاهیم ارزشی و سازوکارهای ارزش آفرینی در زمینه ترکیبی است، جایی که ارزش دارای ویژگی های مختلط، چند معنایی و مبهم است و در آن نهادها، سازمان ها و شبکه های بازیگران ممکن است چندین دسته ارزش را به طور همزمان ارائه دهند. لذا پژوهش حاضر بدنبال مدل سازی معادلات ساختاری رابطه حکمرانی ترکیبی با مکانیسم های خلق ارزش در آموزش و پرورش دشت آزادگان است. انجام این تحقیق در راستای پاسخ به این پرسش است که حکمرانی ترکیبی چه رابطه با مکانیسم های خلق ارزش در آموزش و پرورش دشت آزادگان دارد.

مروری بر پیشینه های تجربی تحقیق

سپهوند و شیخی زاده (۱۴۰۱)، به بررسی تأثیر سازمان ارزش بنیان بر خلق ارزش در شرکت های دانش بنیان با نقش میانجی اخلاق کاری پرداختند. سازمان ارزش بنیان برای خلق ارزش، بر ارزش ها متکی است، ارزش هایی که ترجمان انتظارات ذینفعان سازمان است. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر سازمان ارزش بنیان بر خلق ارزش در شرکت های دانش بنیان با نقش میانجی اخلاق کاری است. نتایج تحقیق نشان داد که سازمان ارزش بنیان هم بصورت مستقیم و هم از طریق اخلاق کاری و مولفه های آن موجب خلق ارزش و بهبود روابط سازمان با ذینفعان مرتبط با شبکه ارتباطات می گردد. رعایت مسائل اخلاقی و ارزش های سازمانی موجب بهبود تصویر سازمان در نگاه ذینفعان مستقیم و غیر مستقیم و تقویت آتیه سازمان می گردد. همچنین از سازمان های بالادستی انتظار می رود که در راستای حل تعارض منافع و رعایت مسائل اخلاقی در شبکه کسب و کار راه را برای خلق روز افزون ارزش شرکت های دانش بنیان فراهم گردانند.

1 Aberbach & et al.

2 Powell

3 Williamson

4 Noordegraaf

5 Poitras & Willeboordse

6 Jané Jacobs

7 Osborne

محمدزاده اصل (۱۴۰۰)، به بررسی الگوی خلق ارزش در شرکت ملی صنایع مس ایران پرداخت. این مطالعه با روش ترکیبی به کشف الگوی خلق ارزش در شرکت ملی صنایع مس ایران پرداخته است. مدل شامل مقوله محوری (خلق ارزش)، شرایط علی (ویژگی های ذاتی، ویژگی های رابطه ای با واحدهای کسب وکار، ویژگی های ساختاری و کارکردی و ویژگی های سبب کسب وکار)، شرایط زمینه (مدیریت زنجیره تأمین، مدیریت سیستم ها و روش ها، مدیریت منابع و مدیریت چشم اندازها و ارزش ها)، شرایط مداخله گر (وضعیت اقتصادی ایران، قوانین و مقررات ملی و بین المللی و مادرهای رقیب)، راهبردها (نفوذ خودمدرانه، توسعه بنگاه، نفوذ وظیفه ای و خدماتی، نفوذ ارتباطی و ترکیبی از راهبردها) و پیامدها (تخصیص بهتر منابع، فرمول بندی راهبردهای ارزش آفرین، کنترل مدیریت عملکرد و متمایزسازی) است. نتایج برآورد مدل حاکی از اثر مثبت و معنادار مقوله های علی بر مقوله محوری، مقوله محوری بر راهبردها، مقوله زمینه ای بر راهبردها، مقوله مداخله ای بر راهبردها و راهبردها بر پیامدها و در نتیجه اثر مثبت و معنادار کلیه متغیرهای یادشده بر خلق ارزش در شرکت ملی صنایع مس ایران است. بنابراین، شرکت ملی صنایع مس ایران می تواند از مؤلفه های مطرح در مدل ارائه شده برای اتخاذ بهترین راهبرد استفاده نماید.

قربانی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی شناسایی و اولویت بندی مولفه های خلق ارزش برای کارآفرینی در اقتصاد مقاومتی پرداختند. این پژوهش در زمینه مطالعات کارآفرینی در اقتصاد مقاومتی و با هدف شناسایی و اولویت بندی مولفه های خلق ارزش برای کارآفرینی در اقتصاد مقاومتی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد مولفه های خلق ارزش برای کارآفرینی در اقتصاد مقاومتی شامل چهار مولفه به ترتیب اولویت: ۱. ایجاد بنگاه جدید (کسب و کار جدید) با شدت تاثیر ۰/۸۹۵، ۲. خلق ثروت (ایجاد ثروت مولد) با شدت تاثیر ۰/۸۹۴، ۳. توسعه کسب و کارها (ماندگاری کسب و کارها، گسترش کسب و کارها) با شدت تاثیر ۰/۸۹۲، ۴. دستاورد جدید (تکنولوژی نوآورانه، محصول جدید) با شدت تاثیر ۰/۸۶۵ می باشند. نتایج تحقیق نشان داد هدف غایی کارآفرینی در اقتصاد مقاومتی، خلق ارزش است.

ایزه آفیروهو و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، به بررسی مشارکت جامعه تحول آفرین در زیرساخت های شهری مشارکت های عمومی و خصوصی: رویکردی دولتی برای ایجاد ارزش اجتماعی پرداختند. بر اساس این تحقیق مشارکت جامعه در زیرساخت های شهری مشارکت عمومی-خصوصی می تواند تحول آفرین و ایجاد ارزش اجتماعی در کنار جوامع باشد. این تحقیق بحث را از طریق ادبیات و عملکرد شرکت های اجتماعی و سایر همکاری های ترکیبی در بخش خصوصی دنبال می کند. از نظر مفهومی، به درک غیرسیاسی و دگرگونی تعامل جامعه در چارچوب مشارکت عمومی و خصوصی کمک می کند. این تحقیق با پیشنهاد مجموعه ای از اصول راهنما در مورد چگونگی: توانمندسازی جوامع برای سازماندهی، تنظیم مجدد محیط سازمانی برای ارائه مشوق ها و قابلیت اطمینان؛ و مشارکت های دولتی و خصوصی را به عنوان سازمان های ترکیبی که قادر به مشارکت سایر بازیگران مانند سازمان های غیردولتی هستند، طراحی می کند.

جفری و همکاران^۲ (۲۰۱۶)، به بررسی اینکه، آیا باید از هر سرمایه گذاری جدید بخواهیم که یک سازمان ترکیبی باشد؟ پرداختند. منتقدان سرمایه داری کارآفرینی استدلال کرده اند که کارآفرینی باعث ایجاد اختلال در عملکرد افراد، خانواده ها، جوامع و جامعه می شود زیرا کارآفرینان از ابعاد اجتماعی و محیطی ارزش به نفع خلق ارزش مالی غفلت می کنند. در مقابل، سازمان های ترکیبی، مانند شرکت های سودمند، به صراحت برای پرداختن به اهداف اجتماعی و زیست محیطی علاوه بر هدف مالی خود ایجاد می شوند. بنابراین، در این تحقیق پیامدهای دنیایی از ارزش ترکیبی را بررسی کردند که در آن هر سرمایه گذاری جدید باید یک سازمان ترکیبی باشد و پیشنهاد شد که ارزش ترکیبی ممکن است به بهترین وجه به نقش ایده آل یا دستورالعمل در مقابل الزام هنجاری یا قانونی تنزل یابد.

بیانکونه و همکاران^۳ (۲۰۲۲)، به بررسی ایجاد ارزش عمومی از عملکرد سازمان های ترکیبی پرداختند. به منظور چگونگی محاسبه ارزش آفرینی در سازمان های ترکیبی، این مطالعه نتایجی را از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۱ در موضوع ارزش آفرینی عمومی فعالیت سازمان های ترکیبی بررسی و ارائه می کند و نشان می دهد که موضوعاتی که بر تحقیقات در ۲۰ سال اول تأثیر گذاشته اند توسط پیوند مدیریت دولتی جدید دیکته شد. از سال ۲۰۱۳ افزایش داشته است و در سال ۲۰۱۵ حتی افزایش قابل توجهی داشته است. نتیجه اصلی این است که مطالعات بخش عمومی در حال تحول بر خلق ارزش از طریق همکاری های بین بخشی و بنابراین در راستای اصول کاهش نابرابری و پایدار کردن شهرها و جوامع متمرکز شده است. ارزش های تولید مشترک، ایجاد مشترک و همکاری که از این تحقیق پدید آمده اند، بر اهمیت دستیابی به اهداف در مشارکت تأکید می کنند تا سازمان و همه ذینفعان آن بتوانند با هم به سمت دستیابی به مسئولیت پذیری کامل حرکت کنند از آنجایی که این یک زمینه بین رشته ای است، از یک سری پیشرفت های رو

1 Ize Afiroho & et al.

2 Jeffrey & et al.

3 Biancone & et al.

به رشد همراه با رویکردهای نوظهور که منجر به بازخورد عملی می شود، بهره می برد. این امر بدون شک نیاز به تغییر روش های سنتی سازمان ها را به وجود آورده است و عناصر ترکیبی را بین بخش های انتفاعی، غیرانتفاعی و عمومی به دست می آورد که به تعریف سازمان ترکیبی منجر شده است. این یافته ها مبنایی را برای حمایت از بخش تحقیقات علمی، عوامل بخش سوم، سرمایه گذاران و همه ذینفعانی که با کارآفرینان اجتماعی کار می کنند، تشکیل می دهند تا تمرکزی را که تحقیقات و کسب و کار برای ایجاد ارزش و تأثیر اجتماعی باید روی آن متمرکز شوند، درک بهتری کنند.

دوهرتی و کیتپانیا-نگا^۱ (۲۰۲۱)، به بررسی نقش مدل های کسب و کار ترکیبی شرکت اجتماعی در توسعه زنجیره ارزش فراگیر پرداختند. این مطالعه به رشد سازمان های ترکیبی، مدل های کسب و کار پایدار و توسعه زنجیره ارزش فراگیر کمک می کند. تحقیقات نشان داده است که از حدود ۵۷۰ میلیون کشاورز در جهان، بیش از ۴۷۵ میلیون کشاورز در کشورهای با درآمد متوسط پایین که با افزایش ناامنی غذایی و فقر روستایی مواجه هستند، خرده مالک هستند. به دلیل کمبود تحقیقات در این زمینه این مقاله با یک مطالعه کیفی از ده مطالعه موردی، به این درخواست پاسخ می دهد و از سازمان دهی ترکیبی، مدل کسب و کار پایدار و تحقیقات توسعه زنجیره ارزش فراگیر برای شناسایی ویژگی های مدل کسب و کار جدید که سازمان های ترکیبی برای ایجاد و مدیریت زنجیره های ارزش فراگیر برای خرده مالک ها، استفاده می کنند. این سازمان های ترکیبی برای ایجاد پیشنهاد ارزشی طراحی شده اند که ارتقای پایداری را برای خرده مالک ها از طریق ارتقاء محصول، فرآیند و حاکمیت ارائه می کند، مالکان خرد را برای دستیابی به اهداف توسعه توانمند می سازد و ارزش های چندگانه را برای تأثیر اجتماعی ایجاد می کند.

اسپوزیتو و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، به بررسی درک تأثیر اجتماعی و ایجاد ارزش در سازمان های ترکیبی (مورد مطالعه خدمات دولتی ایتالیا) پرداختند. در این مقاله هدف اول، تجزیه و تحلیل و چگونگی خلق ارزش هایی است که سازمان های ترکیبی ایجاد می شود و هدف دوم درک نقش ارزیابی تأثیر اجتماعی در اندازه گیری ارزش افزوده، به ویژه در بین تغییرات اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده توسط ترکیبی ها است. از طریق رویکرد ارزیابی تأثیر اجتماعی نتایج تحقیق نشان می دهد که چگونه ارزش تولید شده توسط منابع عمومی را می توان اندازه گیری کرد یا به وضوح در خود فرآیند اندازه گیری نشان داد.

گروسی و همکاران^۳ (۲۰۲۱)، به بررسی چالش های حسابداری، عملکرد و مسئولیت پذیری در سازمان های ترکیبی: دیدگاه خلق ارزش پرداختند. با تکیه بر بینش های نظری در مورد دیدگاه های خلق ارزش، هدف نویسندگان ارتقای درک عملکرد و مسئولیت پذیری در سازمان های ترکیبی مختلف است. نویسندگان، ریشه های نظری مشترک سازمان های ترکیبی و نحوه ایجاد و اجرای ارزش را با تأمل در مقالات و ویژه مجله حسابداری و حسابرسی مفهوم سازی می کنند. یافته های تحقیق نشان داد سازمان های ترکیبی را می توان از طریق رویکردهای آن ها در خلق ارزش (اختلاط، سازش و مشروعیت سازی) مفهوم سازی کرد. این مقاله درک دقیق تری از تغییرات حسابداری، عملکرد و مسئولیت پذیری در سازمان های ترکیبی ارائه می دهد. این مشارکت همچنین پیامدهای عملی مرتبطی برای افراد تأثیرگذار مانند سیاستمداران، مدیران، متخصصان، حسابرسان، کنترل کنندگان و حسابداران دارد که در سازمان های ترکیبی مختلف، زمینه های خط مشی و رابط های چندوجهی بین عمومی، خصوصی و جامعه مدنی قرار گرفته است.

فرضیات پژوهش

- ۱) بین حکمرانی ترکیبی با سازش در ارزش ها در آموزش و پرورش دشت آزادگان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲) بین حکمرانی ترکیبی با مخلوط کردن ارزش ها در آموزش و پرورش دشت آزادگان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳) بین حکمرانی ترکیبی با مشروعیت بخشیدن به ارزش ها در آموزش و پرورش دشت آزادگان رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

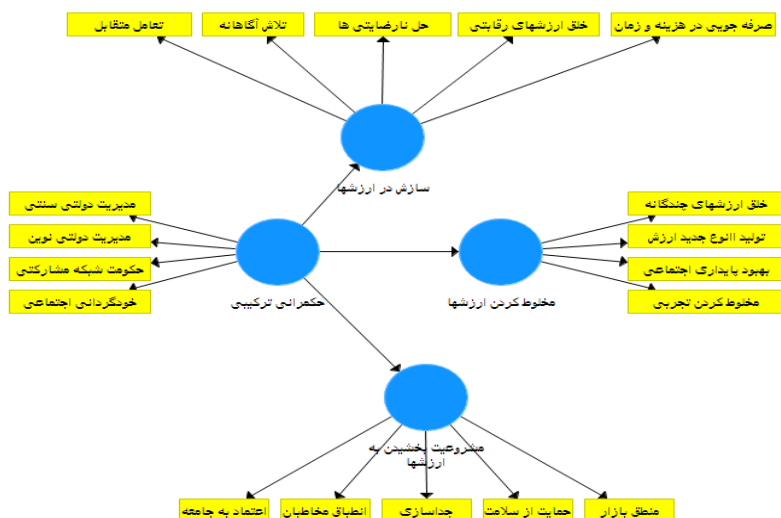
روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه کارمندان شاغل در اداره آموزش و پرورش دشت آزادگان می باشد که ۱۰۰۰ نفر را شامل می شود. تعداد ۳۷۳ نفر با استفاده از جدول مورگان به عنوان نمونه آماری به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته حکمرانی ترکیبی، پرسشنامه محقق ساخته سازش در ارزش ها، پرسشنامه محقق ساخته مخلوط کردن ارزش ها و پرسشنامه محقق ساخته مشروعیت بخشیدن به ارزش ها استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزارهای آماری spss^{۲۶} و smart pls استفاده شده است.

1 Doherty and Kitipanya-Nga

2 Esposito & et al.

3 Grossi & et al.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

معرفی ابزار

در نرم‌افزار اسمارت پی ال اس مدل اندازه‌گیری انعکاسی دارای آزمون‌های پایایی (شامل آزمون‌های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) و روایی (شامل دو روایی: ۱. روایی همگرا به کمک میانگین واریانس استخراج شده (AVE) ۲. روایی واگرا به کمک آزمون فورنل و لارکر) است.

جدول ۱. نتایج معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی متغیرهای پنهان تحقیق

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
حکمرانی ترکیبی	۰/۸۷۶	۰/۷۵۸	۰/۶۴۲
سازش در ارزش‌ها	۰/۷۸۹	۰/۷۵۹	۰/۶۸۲
مخلوط کردن ارزش‌ها	۰/۷۹۴	۰/۷۳۶	۰/۷۱۴
مشروعیت بخشیدن به ارزش‌ها	۰/۷۹۴	۰/۷۹۷	۰/۸۴۸

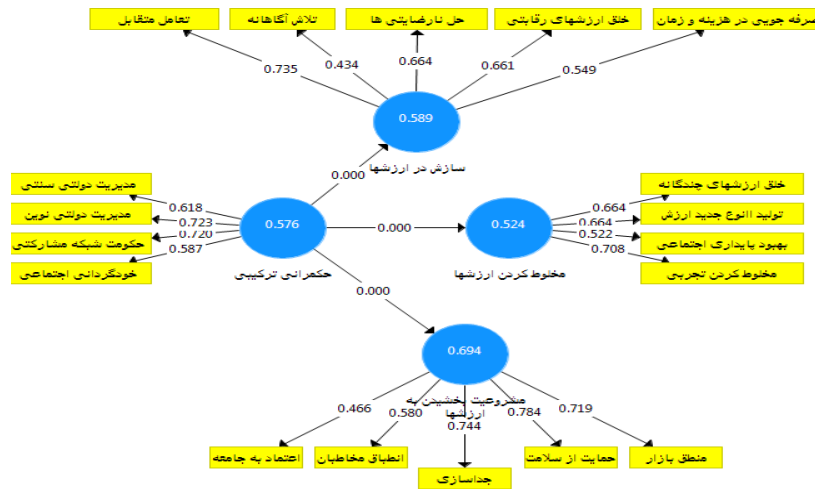
با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفا کرونباخ و پایایی ترکیبی ۰/۷ است و مطابق با یافته‌ها جدول ۱ این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده‌اند. می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی پژوهش را تأیید نمود. با توجه به اینکه مقدار مناسب برای میانگین واریانس استخراج شده (AVE) ۰/۵ است و مطابق با یافته‌های جدول ۱ این معیار در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ نموده‌اند، در نتیجه مناسب بودن روایی همگرا پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۲. معیار فورنل و لارکر متغیرهای تحقیق

متغیر	حکمرانی ترکیبی	سازش در ارزش‌ها	مخلوط کردن ارزش‌ها	مشروعیت بخشیدن به ارزش‌ها
حکمرانی ترکیبی	۰/۶۶۵			
سازش در ارزش‌ها	۰/۶۲۵	۰/۶۸۸		
مخلوط کردن ارزش‌ها	۰/۵۹۴	۰/۴۵۹	۰/۶۹۳	
مشروعیت بخشیدن به ارزش‌ها	۰/۶۳۵	۰/۵۴۸	۰/۶۱۱	۰/۶۶۹

روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای هر متغیر بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن متغیر و متغیرهای دیگر در مدل باشد. همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود مقادیر مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین (مقادیر پایین و سمت چپ)، خود که نشان‌دهنده همبستگی بین سازه‌ها هستند بیشتر می‌باشد. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که میزان رابطه هر متغیر با مولفه‌های بیشتر از همبستگی بین متغیرهاست و این امر حاکی از این است که روایی واگرای مدل مناسب می‌باشد.

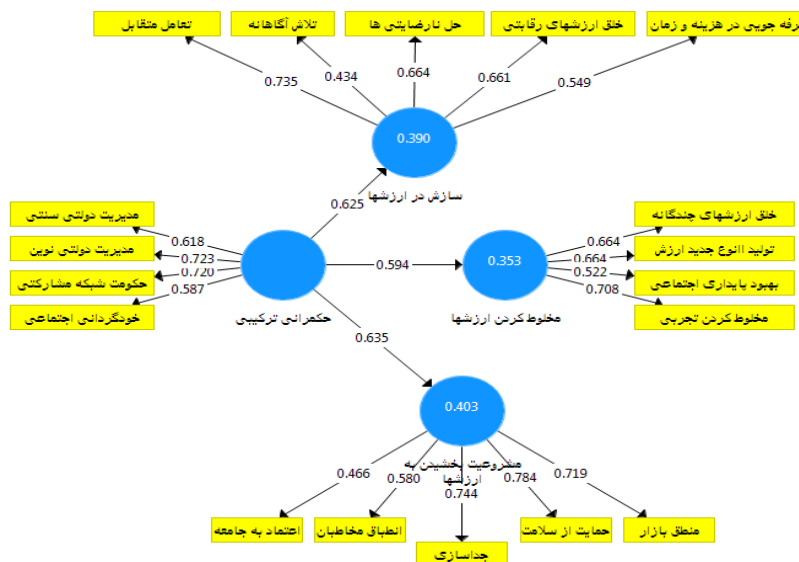
ضریب تعیین R^2



شکل ۲. مقادیر ضریب تعیین متغیرهای مکنون پژوهش

در شکل ۲ ضریب تعیین یا R^2 معنی آن این است که چه میزان از تغییرات متغیر وابسته (سازش در ارزشها، مخلوط کردن ارزشها و مشروعیت بخشیدن به ارزشها) توسط متغیر مستقل (حکمرانی ترکیبی) تبیین می شود. با توجه به شکل ۵۸/۹٪ از تغییرات سازش در ارزشها، ۵۲/۴٪ از تغییرات مخلوط کردن ارزشها و ۶۹/۴٪ از مشروعیت بخشیدن به ارزشها ناشی از حکمرانی ترکیبی می باشد بنابراین بین حکمرانی ترکیبی با هر سه متغیر سازش در ارزشها، مخلوط کردن ارزشها و مشروعیت بخشیدن به ارزشها رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد بدین معنا که هر چه حکمرانی ترکیبی افزایش پیدا کند سازش در ارزشها، مخلوط کردن ارزشها و مشروعیت بخشیدن به ارزشها افزایش پیدا می کند.

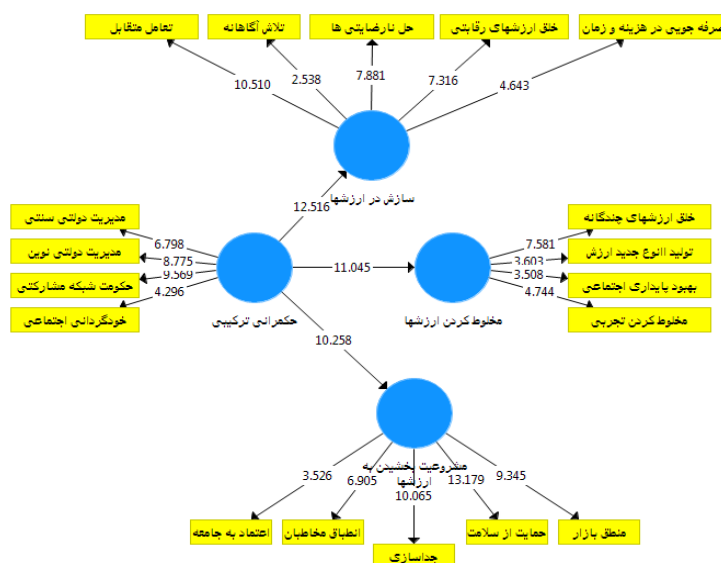
ضریب مسیر (بتا)



شکل ۳. مقادیر ضرایب مسیر

شکل ۳ مقادیر ضریب مسیر (بتا) را نشان می دهد قاعدتا مقدار عددی ضریب مسیر در رابطه بین مولفه ها (مستطیل زرد) با متغیرها (دایره آبی) نباید کمتر از ۰/۴ باشد و رابطه بین متغیرها (دایره های آبی) هر چه به یک نزدیک تر باشد ایده آل تر است.

آزمون روند خودکار



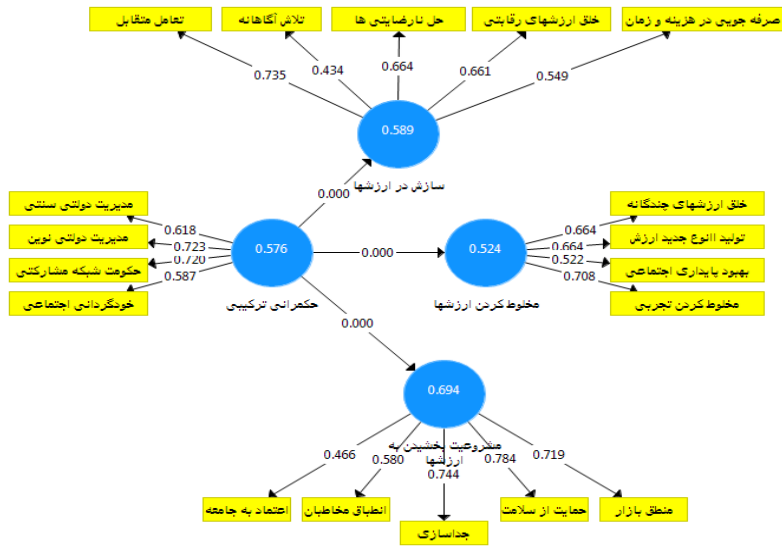
شکل ۴. مقادیر t

در شکل ۴ ضرایب معناداری (t-values)، مقدار تاثیر متغیرها و مولفه ها بر همدیگر را نشان می دهد. در صورتی که مقدار t حداقل ۱/۹۶ باشد نشان می دهد این رابطه معنادار است.

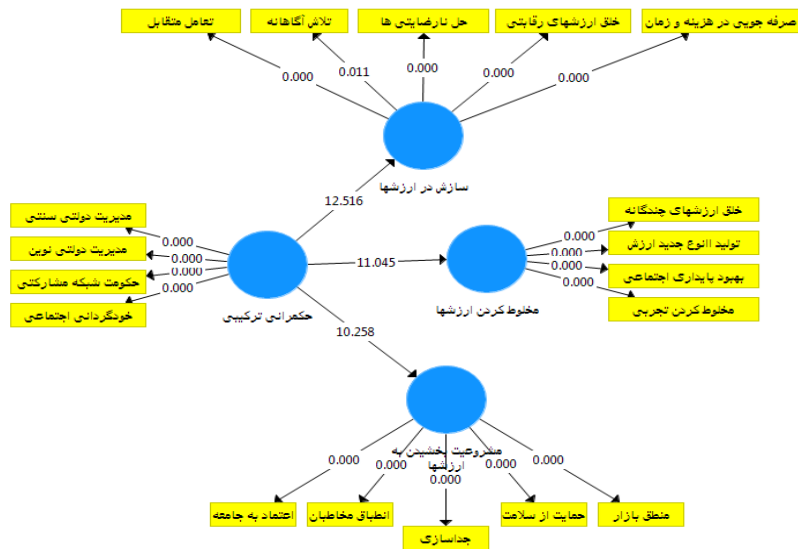
جدول ۳. نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معناداری فرضیات مدل

نتیجه آزمون	ضریب معناداری Value-T	ضریب مسیر بتا	فرضیه
تایید	۱۲/۵۱۶	۰/۶۲۵	فرضیه اول تحقیق: بین حکمرانی ترکیبی با سازش در ارزش ها در آموزش و پرورش دشت آزادگان رابطه معناداری وجود دارد.
تایید	۱۱/۰۴۵	۰/۵۹۴	فرضیه دوم تحقیق: بین حکمرانی ترکیبی با مخلوط کردن ارزش ها در آموزش و پرورش دشت آزادگان رابطه معناداری وجود دارد.
تایید	۱۰/۲۵۸	۰/۶۳۵	فرضیه سوم تحقیق: بین حکمرانی ترکیبی با مشروعیت بخشیدن به ارزش ها در آموزش و پرورش دشت آزادگان رابطه معناداری وجود دارد.

سطح معنی داری (p- Value): رابطه بین متغیرها



شکل ۵. مقادیر ضرایب تعیین و معناداری روابط مدل



شکل ۶. سطح معناداری مولفه ها

هدف از سنجش معناداری این است که آیا مولفه های هر متغیر رابطه آنها با متغیرها معنی دار است یا خیر. در شکل ۵ بر روی فلش ها مربوط به متغیرها (دایره های آبی) و در شکل ۶ بر روی فلش مربوط به هر متغیر با مولفه های خود عدد ۰/۰۰۰ یعنی ۰/۰۰۱ درج شده است که بیانگر معنی داری همه مولفه ها با متغیرها (شکل ۶) و همچنین بیانگر معنی دار متغیرها (شکل ۵) با هم می باشد. به عبارتی در حکمرانی ترکیبی مولفه های (مدیریت دولتی سنتی، مدیریت دولتی نوین، حکمرانی شبکه مشارکتی و خودگردانی اجتماعی) با حکمرانی ترکیبی ارتباط معنی داری دارند بدین معنی این چهار مولفه می توانند حکمرانی ترکیبی را به عنوان یک متغیر تشکیل بدهند و اثر آن را بر روی هر سه نوع ارزش بسنجند. دقیقاً در هر سه نوع ارزش نیز (سازش در ارزشها، مخلوط کردن ارزشها و مشروعیت بخشیدن به ارزشها) رابطه مولفه ها با متغیرها معنی دار است.

بحث و نتیجه گیری

در تحقیق حاضر هدف، طراحی مدل رابطه حکمرانی ترکیبی با سازش در ارزش ها، مخلوط کردن ارزش ها و مشروعیت بخشیدن به ارزش ها در آموزش و پرورش دشت آزادگان در سال ۱۴۰۲ می باشد. بدین منظور محقق با تدوین ۳ فرضیه به آزمون آنها پرداخت. جهت بررسی فرضیه ها تحقیق از تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری pls استفاده شد که نتایج نشان داد، بین حکمرانی ترکیبی با سازش در ارزش ها، مخلوط کردن ارزش ها و مشروعیت بخشیدن به ارزش ها رابطه معناداری وجود داشته و ۵۸/۹٪ از تغییرات سازش در ارزش ها، ۵۲/۴٪ از تغییرات مخلوط کردن ارزش ها و ۶۹/۴٪ از مشروعیت بخشیدن به ارزش ها ناشی از حکمرانی ترکیبی می باشد به طوری که ضرایب مسیر حکمرانی ترکیبی با سازش در ارزش ها، مخلوط کردن ارزش ها و مشروعیت بخشیدن به ارزش ها به ترتیب: ۰/۶۲۵، ۰/۵۹۴ و ۰/۶۳۵ می باشد. نتایج آزمون سه فرضیه تحقیق، با پژوهش گروسی و همکاران (۲۰۲۱)، اسپوزیتو و همکاران (۲۰۲۱)، دوهرتی و کیتیپانیا-نگا (۲۰۲۱)، بیانکونه و همکاران (۲۰۲۲)، جفری و همکاران (۲۰۱۶)، ایزه آفریوهو و همکاران (۲۰۲۳)، قربانی و همکاران (۱۳۹۸)، محمد زاده اصل (۱۴۰۰) و سپهوند و شیخی زاده (۱۴۰۱)، در یک جهت و راستا می باشد.

هدف اصلی این تحقیق، مرتبط ساختن مفاهیم ارزشی و مکانیسم‌های خلق ارزش با زمینه‌های حکمرانی ترکیبی بود، جایی که ارزش دارای ویژگی مبهم است و سازمان ها اغلب باید بتوانند چندین دسته ارزش را به طور همزمان ارائه دهند. منطقی است که استدلال کنیم که برخی از اشکال خلق ارزش ممکن است در برخی تنظیمات نهادی بیشتر از سایرین وجود داشته باشند و مهمتر باشند. با این حال، روشی که از طریق آن می توان پیوندهای بین خلق ارزش و ترکیبی را درک کرد، بسیار مهمتر است. در این تحقیق، این امر از طریق پیچیدگی‌های حاکم بر و مدیریت منطق‌های خلق ارزش متضاد در یک محیط ترکیبی واحد برای درک محصولات ترکیبی ارزش‌آفرینی در جامعه، و همچنین برای کشف ارزش‌آفرینی از طریق تعاملات چندوجهی سطوح مختلف حکمرانی ترکیبی، تجزیه و تحلیل شد. این امر سبب شد تا در مورد سه شکل از مکانیسم‌های خلق ارزش مرتبط در زمینه ترکیبی فکر کنیم: اختلاط، سازش و مشروعیت‌بخشی. مخلوط مناسب است، زیرا انگیزه برای ترکیب منطق‌های خلق ارزش و گزاره‌های ارزش به ویژه در تنظیمات ترکیبی بسیار مهم است. سازش مهم است، زیرا جستجو و یافتن سازش بر سر منطق‌های ارزش‌آفرینی موازی، رقابتی و گاه متناقض برای بقای نهادی ترکیبی ها ضروری است. در نهایت، مشروعیت بخشیدن به مسائل، به دلیل ماهیت بنیادی ترکیبی ها، که به عنوان خارج از مقوله‌های «ایمن» و از قبل مشروعیت یافته عمومی و خصوصی زندگی نهادی، نیاز دارند جایگاه نهادی خود را به شیوه ای نوآورانه بیابند. همانطور که بحث شد، این نه تنها یک نفرین برای ترکیبی ها است؛ همچنین ممکن است راه‌های جدیدی را برای تفکر استراتژیک، فعالیت‌های ناشناخته و انتخاب سازمانی جدید باز کند.

منابع

- احمدزاداصل، محمدعلی (۱۴۰۰). الگوی خلق ارزش در شرکت ملی صنایع مس ایران. فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، دوره ۹، شماره ۳۵، صفحات ۱۳۰-۱۳۸.
- سپهوند، رضا؛ شیخی زاده، ایوب (۱۴۰۱). سازمان ارزش بنیان و خلق ارزش شرکت: تحلیل نقش میانجی اخلاق کاری (مورد مطالعه: شرکت های دانش بنیان پارک های علم و فناوری شهر تهران). فصلنامه مدیریت تبلیغات و فروش، دوره ۳، شماره ۳، صفحات ۱۹-۳۲.
- قربانی، پرویز؛ عدالتیان شهریاری، جمشید؛ حق شناس کاشانی، فریده؛ کابازان زاد قدیم، محمدرضا؛ شادنوش، نصرت الله (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت بندی مولفه های خلق ارزش برای کارآفرینی در اقتصادمقاومتی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۲۲، شماره ۸۲، صفحات ۱۰۱-۱۲۸.
- Ahmadzadasal, Mohammad Ali (1400). Model of value creation in the National Copper Industries Company of Iran. *Financial Management Strategy Quarterly*, Volume 9, Number 35, 130-138. (in Persian).
- Aberbach, J., Putnam, R., Rockman, B. (1981). *Bureaucrats and politicians in western democracies*. Cambridge and London: Harvard University Press.
- Biancone, Paolo., Chmet, Federico., Iannaci, Daniel., Oppioli, Michele. (2022). The creation of public value from the action of hybrid organisations. *European journal of volunteering and community-based projects*. 1(3), 15-36.
- Boltanski, L., Thévenot, L. (2006). *On justification: Economies of worth*. Princeton: Princeton University Press.
- Bozeman, B. (2019). Public values: Citizens' perspective. *Public Management Review*, 21(6), 817-838.
- Bromley, P., Powell, W.W. (2012). From smoke and mirrors to walking the talk: Decoupling in the contemporary world. *The Academy of Management Annals*, 6(1), 483-530.
- Brunsson, N. (1989). *The organization of hypocrisy: Talk, decisions, and actions in organizations*. Chichester; New York: Wiley.
- Dewey, J. (1939). *Theory of valuation*. Chicago: University of Chicago Press.
- Doherty, Bob., Kittipanya-Ngam, Pichawadee. (2021). The Role of Social Enterprise Hybrid Business Models in Inclusive Value Chain Development. *journal of Sustainability*, 499(13), 1-24.
- Espósito, Paolo., Brescia, Valerio., Fantauzzi, Chiara., Frondizi, Rocco. (2021). Understanding Social Impact and Value Creation in Hybrid Organizations: The Case of Italian Civil Service. *journal of Sustainability*, 4058(13), 1-26.
- Eze Aferoho, Ulohomuno., Li, Yongkui., Han, Yilong., Soomro, Mohsin Ali., Radujkovic, Mladen. (2023). Transformational Community Engagement in Urban Infrastructure Public-Private Partnerships: A Governmentality Approach to Create Social Value. *Journal buildings*, 1225(13), 1-14.
- Elster, J. (1989). Social norms and economic theory. *The Journal of Economic Perspectives*, 3(4), 99-117.
- Ghorbani, Parviz; Adaltian Shahriari, Jamshid; Haqsan Kashani, Farida; Kabaranzad Kaidim, Mohammad Reza; Shadnough, Nusratullah (2018). Identifying and prioritizing value creation components for entrepreneurship in the resistance economy. *Basij Strategic Studies Quarterly*, Volume 22, Number 82, 101-128. (in Persian).
- Grossi, Giuseppe., Vakkuri, Jarmo., Sargiacomo, Massimo. (2021). Accounting, performance and accountability challenges in hybrid organisations: a value creation perspective. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*. 35(3), 577-597.
- Gale, F. (2019). Economic value hierarchies in public and private governance: Explaining Australia's contested forest certification politics. Paper presented to the Private Governance and Public Policy in Global Politics Panel, International Conference on Public Policy, Montreal, Quebec, Canada, 26-28 June.
- Hardin, R. (۱۹۸۸). *Morality within the limits of reason*. Chicago; London: The University of Chicago Press.

- Hartley, J., Alford, J., Knies, E., Douglas, S. (2017). Towards an empirical research agenda for public value theory. *Public Management Review*, 19(5), 670–685.
- Jeffery, S., Mullen, Mc., Benjamin, J., Warnick. (2016). Should We Require Every New Venture to Be a Hybrid Organization. *Journal of Management Studies*, 53(4), 630-662.
- Jørgensen, T., Bozeman, B. (2007). Public values: An inventory. *Administration and Society*, 39(3), 354–381.
- Johanson, J.-E. and Vakkuri, J. 2017. *Governing hybrid organisations. Exploring diversity of institutional life*. New York; Abingdon: Routledge.
- Jacobs, J. (1992). *Systems of survival: A dialogue on the moral foundations of commerce and politics*. New York: Random House.
- Lepak, D.P., Smith, K.G., Taylor, M. (2007). Value creation and value capture: A multilevel perspective. *Academy of Management Review*, 32(1), 180–194.
- Meynhardt, T. (2009). Public value inside: What is public value creation? *International Journal of Public Administration*, 32(3–4), 192–219.
- Mazzucato, M. (2015). *The entrepreneurial state. Debunking public vs. private sector myths*. New York: Public Affairs.
- Mazzucato, M. (2018). *The value of everything. Making and taking in the global economy*. Milton Keynes: Allen Lane; Penguin books.
- Moore, G., Grandy, G. (2017). Bringing morality back in: Institutional theory and MacIntyre. *Journal of Management Inquiry*, 26(2), 146–164.
- Moore, M. (1995). *Creating public value: Strategic management in government*. Cambridge: Harvard University Press.
- Meyer, J., Rowan, B. (1977). Institutionalized organizations: Formal structure as myth and ceremony. *American Journal of Sociology*, 83(2), 340–363.
- Noordegraaf, M. (2007). From “pure” to “hybrid” professionalism: Present-day professionalism in ambiguous public domains. *Administration and Society*, 39(6), 761–785.
- Osborne, S.P., Radnor, Z., Strokosch, K. (2016). Co-production and the co- creation of value in public services: A suitable case for treatment? *Public Management Review*, 18(5), 639–653.
- Osborne, S.P. (2007). The new public governance? *Public Management Review*, 8(3), 377–387.
- Pache, A., Santos, F. (2013). Inside the hybrid organization: Selective coupling as a response to competing institutional logics. *Academy of Management Journal*, 56(4), 972–1001.
- Powell, W.W. (1990). Neither market nor hierarchy. In Staw, B. and Cummings, L. (eds.), *Research in organizational behavior* 12. Greenwich: JAI Press, pp. 295–336.
- Poitras, G., Willeboordse, F. (2019). The *societas publicanorum* and corporate personality in roman private law. *Business History*, 62. doi:10.1080/00076791 .2019.1656719.
- Septhovand, Reza; Sheikhezadeh, Ayoub (1401). Value-based organization and company value creation: analysis of the mediating role of work ethics (case study: knowledge-based companies in science and technology parks in Tehran). *Advertising and Sales Management Quarterly*, Volume 3, Number 3, 19-32. (in Persian).
- Stark, D. (2011). What’s valuable? In Beckert, J. and Aspers, P. (eds.), *The worth of goods – Valuation and pricing in the economy*. Oxford: Oxford University Press, pp. 319–338.
- Skelcher, C., Smith, S. (2015). Theorizing hybridity: Institutional logics, complex organizations, and actor identities: The case of nonprofits. *Public Administration*, 93(2), 433–448.
- van der Wal, Z., Huberts, L., van den Heuvel, H., Kolthoff, E. (2006). Central values of government and business: Differences, similarities, and conflicts. *Public Administration Quarterly*, 30(3/4), 314–364.

Van Der Wal, Z., Graaf, G.D., Lasthuizen, K. (2008). What's valued most? Similarities and differences between the organizational values of the public and private sector. *Public Administration*, 86(2), 465-482.

Vakkuri, J., Johanson, J.-E. (2018). Taming the monster – Understanding hybrid organizations and governance. *Public Money and Management*, 38(3), 162-163.

Williamson, O.E. (1999). *The mechanisms of governance*. New York: Oxford University Press.

* نویسنده مسئول: مریم سعیدی پور. پست الکترونیکی: maryam.s201120@yahoo.com

نحوه استناد: رضا، نجاری؛ سعیدی پور، مریم. (۱۴۰۲). مدل سازی معادلات ساختاری رابطه حکمرانی ترکیبی با مکانیسم های خلق ارزش در آموزش و پرورش دشت آزادگان . فصلنامه جُستارهایی در مدیریت. ۳ (۱). ۱۶-۳۲ .